

انقلاب و تحولات اجتماعی

از دیدگاه استاد مطهری

نجف لک زایی

مقدمه

اجماع نظر نسبی در این مورد دست پیدا کند، حتی هنوز روشن نیست که کدام شاخه از رشته‌های علوم اجتماعی یا انسانی عهده‌دار مطالعه این پدیده است. فراتر از آن، برخی از دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند مباحث مربوط به «تغییر» اساساً قابل مطالعه و واریسی علمی نیست.^(۱)

استاد مطهری، به عنوان متفکری که دغدغه‌های اجتماعی داشت، به این بحث بی‌اعتنا نبوده است. او ضمن نقد و بررسی آرا و اندیشه‌های دیگران در باب تغییر و تحولات اجتماعی و علل و عوامل آن، به نظریه پردازی در این زمینه پرداخته است. به ویژه، تحولات جامعه ایران مانند نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی سبب شده است که او در برخی موارد

انقلاب، تغییر، تحول، پیشرفت، ترقی، تکامل، دگرگونی و مفاهیمی از این دست که به نوعی بیانگر تغییرند، همچنین پرسش‌های مطرح شده در این مورد، مانند چرایی ظهور و سقوط تمدن‌ها، دولت‌ها، فرهنگ‌ها، احزاب، قدرت‌ها و نیز علل و عوامل بروز ناآرامی‌ها، شورش‌ها، جنبش‌ها، قیام‌ها و جنگ‌ها، از مفاهیم و مباحث پرجاذبه در علوم انسانی طی قرون هجدهم، نوزدهم و بیستم میلادی بوده است. در تمام این مدت، دغدغه دانشمندان این بوده است که چگونه وضعیت «سکون و تغییر» در زندگی اجتماعی بشر را تحت نظم و قاعده درآورند، تا بتوانند آینده آن را پیش‌بینی کنند. متأسفانه دانش بشری تاکنون نتوانسته است به

وارد بحث مصداقی نیز بشود.



بررسی مفاهیم

اگوست کنت نخستین اندیشمندی است که از دو نوع جامعه‌شناسی سخن گفته است: جامعه‌شناسی استاتیک یا ایستا و جامعه‌شناسی دینامیک یا پویا. به نظر کنت موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی ایستا، «نظم» و موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی پویا، «تغییر» است.^(۲) از آن پس، دو نوع جامعه‌شناسی و به تبع آن دو دسته جامعه‌شناس در عرصه مطالعات جامعه‌شناختی پدیدار شد.

پژوهش حاضر بر مبنای دیدگاه جامعه‌شناسی پویا و جامعه‌شناسان طرفدار «تغییر» به بحث پرداخته است، نه جامعه‌شناسی ایستا، که اساساً قایل به مطالعه «تغییر» نیست. از مشهورترین جامعه‌شناسان طرفدار نظریه جامعه‌شناسی تغییر می‌توان از مارکس، صاحب نظریه مبارزه طبقاتی؛ هربرت اسپنسر، صاحب نظریه قانون تحول عمومی؛ دورکیم، صاحب نظریه تقسیم کار؛ سیمل، صاحب نظریه مطالعه در مورد تضادها؛ پاره‌تو، صاحب نظریه گردش نخبگان؛ ماکس وبر، صاحب نظریه آثار بنیادی تاریخی؛ ابن خلدون، صاحب نظریه عصیبت؛ سید محمد باقر صدر، صاحب نظریه قرآنی تغییر در محتوای باطنی انسان و مرتضی مطهری نام برد.^(۳)

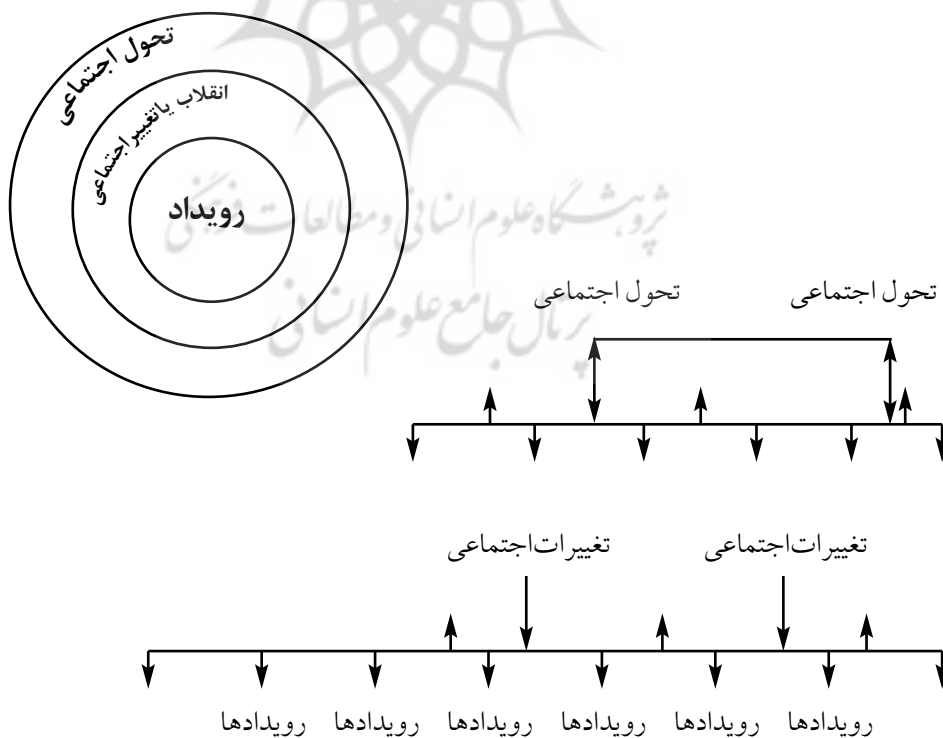
در دیدگاه‌های فوق، هر یک از مفاهیم «تغییر»، «تحول»، «انقلاب» و «رویداد» دارای مفهوم خاصی است. برای روشن تر شدن مراد

این تحقیق از مفاهیم فوق، به اختصار به قدر مشترک دیدگاه‌های مذکور اشاره می‌کنیم.

در تحقیق حاضر، تحول اجتماعی دارای مفهومی غیر از تغییر اجتماعی است. تغییر اجتماعی پدیده‌ای است قابل رؤیت و بررسی که در مدت زمان کوتاهی اتفاق می‌افتد، اما تحول اجتماعی مشتمل بر مجموعه تغییراتی است که در یک دوره طولانی و دست‌کم طی یک یا چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد.

نخستین جامعه‌شناسان نظیر اگوست کنت و کارل مارکس مطالعات خود را روی تحولات اجتماعی متمرکز کرده بودند و از این رو، برای تمام دوره‌های زندگی بشر رهنمود می‌دادند. اما جامعه‌شناسان متأخر که از مطالعه تحولات اجتماعی نتیجه روشنی به دست نیاورده بودند، به مطالعه تغییرات اجتماعی روی آوردند.^(۴) پارسونز از جمله این اندیشمندان است. او از دو نوع تغییر، سخن به میان آورده است: تغییر تعادل و تغییر ساخت. به نظر پارسونز، تغییر و دگرگونی در تعادل، پدیده‌ای است عادی و دایمی که در جهت ادامه حیات و کارکرد نظام‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. اما تغییر و دگرگونی در ساخت مترادف با انقلاب است، زیرا منجر به دگرگونی بنیادها می‌شود. بر این مبنای، اگر تغییر تنها در ساخت سیاسی انجام پذیرد، انقلاب سیاسی پدید می‌آید، و چنانچه تغییر در تمامی ساختارهای اجتماعی اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی تحقق یابد، سبب پیدایش انقلاب اجتماعی و به تعبیر دیگر «انقلاب کبیر»

- می شود. (۵)
- به نظر این دسته از جامعه‌شناسان، تغییر اجتماعی دارای ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین آنها را می‌توان چنین برشمرد:
- ۱- تغییر اجتماعی لزوماً پدیده‌ای جمعی است.
 - ۲- تغییر اجتماعی قابل توجه و مورد مطالعه باید تغییر ساختی باشد. به عبارت دیگر، هنگامی می‌توانیم از تغییر اجتماعی سخن بگوییم که بتوانیم عناصر ساختاری تغییر یافته را بشناسیم و مشخص کنیم.
 - ۳- تغییر ساختی در طول زمان اتفاق می‌افتد و
- در نتیجه باید در یک فرایند مورد مطالعه قرار گیرد.
- ۴- از علایم و نشانه‌های تغییر ساختی، دوام و استمرار نسبی است. (۶)
- استاد مطهری، هم به «تحول اجتماعی» توجه داشته است و هم به «تغییر اجتماعی»، که تبیین نظرگاه او در این خصوص در بخش‌های بعدی خواهد آمد.
- نکته شایان ذکر این که در پژوهش حاضر، تغییر اجتماعی در معنای ساختی مترادف با «انقلاب» به کار رفته است.



مدل شماره (۱)

می‌کنند، از این رو در جایی که تأمین خیر، عدالت، آزادی و سعادت به خطر افتد، اطاعت از قدرت سیاسی را جایز نمی‌دانند و برخی از آنها نیز توصیه به انقلاب اجتماعی می‌کنند. کسانی چون جان لاک، ژرژ سورل و ژان پل سارتر^(۷) و از متفکران و فقهای مسلمان، آیه‌الله نائینی، امام خمینی (ره) و مرتضی مطهری را می‌توان در این گروه قرار داد.

مارکسیست‌ها با نگرشی ایدئولوژیک و مثبت از انقلاب بحث می‌کنند، در حالی که لیبرال‌ها رویکردی سلبی و منفی به انقلاب دارند؛ مناظره مارکوزه و پوپر نمونه‌ای جالب از تعارض این دو دیدگاه است.^(۸) در دیدگاه‌های متأثر از ارزش‌های لیبرالی، به انقلاب همچون بیماری و تبی نگریسته شده است که باید بلافاصله پس از وقوع به حالت اول و سلامتی برگردد. برعکس، دیدگاه‌های مارکسیستی انقلاب را پدیده‌ای مثبت ارزیابی می‌کنند.

در رویکرد اسلامی هیچ یک از دو پدیده «انقلاب» و «اصلاح» اصالت ندارد، بلکه با توجه به شرایط و مقتضیات است که تکلیف جامعه اسلامی روشن می‌شود، زیرا تکلیف دایر مدار توانایی است: «لایکلف الله نفساً الا وسعها».^(۹)

گروه دیگری از دانشمندان از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به تغییرات ساختاری یا انقلاب نگریسته‌اند؛ نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی که در اصل برگرفته از نظریه تضاد سیاسی رالف دارندورف است، نظریه توسعه نامتوازن هانتینگتون، نظریه چرخش نخبگان پاره‌تو،

مفهوم دیگری که در این بحث مطرح است، «رویداد» می‌باشد. تمامی وقایع و حوادث روزمره در ردیف رویدادها قرار می‌گیرند، اما تنها آن دسته از رویدادها مورد توجه متفکر اجتماعی است که محرک تغییر اجتماعی، همراه تغییر اجتماعی یا جهت‌دهنده به آن باشد.

مباحث این بخش را می‌توان در قالب مدل شماره (۱) بیان کرد.

انقلاب و تحولات اجتماعی از نظرگاه دانشمندان

در مورد انقلاب و تحولات اجتماعی، دو پرسش مطرح است: یکی در زمینه ویژگی روش‌شناختی و معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به انقلاب و تحولات اجتماعی، و دیگری در خصوص عوامل محرک تغییر و تحولات اجتماعی.

در مورد پرسش اول، دیدگاه‌های مختلفی بر اساس مبانی فکری متفاوت ارایه شده است، که در این جا به آن می‌پردازیم. در این که بحث «تغییر و تحولات اجتماعی» در کدام یک از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تاکنون پاسخ روشنی داده نشده است. از این رو، دانشمندان رشته‌های مختلف، «انقلاب» و «تغییر اجتماعی» را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. فیلسوفان سیاسی نگاهی تجویزی به انقلاب داشته‌اند. این اندیشمندان چون از منظر «خیر و شر» و تأمین سعادت انسانی به سیاست و قدرت نگاه

نظریه کاریزمای ماکس وبر، اثر مشهور برینگتون مور با عنوان ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، و سرانجام نظریه اسکاچپول در این گروه جای می‌گیرد.^(۱۰)

جمعی از اندیشمندان از موضع روان‌شناسی اجتماعی به کاوش درباره انقلاب و تحولات اجتماعی پرداخته‌اند. نظریه افزایش انتظارات جیمز دیویس و پس از وی تدگر، در چارچوب همین دیدگاه قرار می‌گیرد.

رد پای انقلاب و تحولات اجتماعی را می‌توان در شاخه‌هایی چون فلسفه نظری تاریخ، جامعه‌شناسی تاریخی و الهیات نیز یافت، اما بحث از این نگرش‌ها از حوصله این پژوهش خارج است.

در مورد دوم، یعنی تأملات متفکران اجتماعی درباره محرک یا محرک‌های اصلی رفتارهای اجتماعی انسان، تنها به بیان دیدگاه استاد مطهری در این خصوص می‌پردازیم.

استاد مطهری در این باره در کتاب فلسفه تاریخ سخن به میان آورده است. مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که استاد مطهری در زمینه عامل محرک تاریخ مورد نقد و بررسی قرار داده است از این قرار است:

۱- خون و نژاد: بر پایه این نظریه، عامل اساسی پیش‌برنده رویدادها، تغییرات و تحولات اجتماعی و در یک کلمه «تاریخ» به معنای تمامی هستی، نژادها هستند؛ زیرا بعضی نژادها و خون‌ها استعداد فرهنگ‌آفرینی و تمدن‌گستری دارند و برخی ندارند؛ بعضی می‌توانند علم و فلسفه و صنعت و اخلاق و سایر

ملزومات تمدن‌سازی را تولید کنند و برخی از نژادها تنها مصرف‌کننده‌اند. توزیع‌کنندگان را نیز می‌توانیم افراد دارای نژاد متوسط تلقی کنیم. بر همین اساس، ارسطو برخی از آدمیان را لایق برده داشتن و برخی را مستحق برده شدن می‌دانست. کنت گوبینو، دانشمند معروف فرانسوی، طرفدار مشهور این نظریه در تاریخ معاصر جهان است.^(۱۱)

مطهری در نقد نظریه یاد شده می‌گوید: فرضاً معتقد شویم که تنها یک نژاد است که تحول و تطور تاریخ به دست او صورت می‌گیرد، یا این که همه انسان‌ها در تحول و تطور تاریخ دخیل‌اند، فرقی نمی‌کند و مشکلی حل نمی‌شود. زیرا معلوم نیست چرا زندگی انسان یا نژادی از انسان متحول و متطور است و زندگی حیوانات این چنین نیست. این که عامل یک نژاد باشد یا همه نژادها، راز تحرک تاریخ را نمی‌گشاید.^(۱۲) در عین حال، مطهری به صورت یک احتمال، اصل تفاوت نژادها و استعدادها را انکار نمی‌کند.^(۱۳)

۲- شرایط اقلیمی و جغرافیایی: بر اساس این نظریه، عامل سازنده تمدن و به وجودآورنده فرهنگ و تولیدکننده صنعت و در یک کلام، عامل تغییر و تحولات اجتماعی و غیراجتماعی، محیط و شرایط اقلیمی و جغرافیایی است. در مناطق معتدل، مزاج‌های معتدل و مغزهای نیرومند و متفکر پرورش می‌یابد. گذشته از این، شرایط آب و هوایی بر نژادها تأثیر می‌گذارد و از این طریق سبب تفاوت استعدادها می‌شود. به عبارت دیگر، محیط در رشد عقلی و فکری و

ذوقی و جسمی انسان مؤثر است، و در نهایت، عامل پیش‌برنده تاریخ همان شرایط جغرافیایی است. منتسکیو از طرفداران این نظریه محسوب می‌شود. وی بر همین اساس، تنوع نظام‌های سیاسی به سلطنتی، استبدادی و جمهوری را تبیین کرده است.^(۱۴)

مطهری در نقد این نظریه می‌نویسد: پرسش اصلی همچنان به قوت خود باقی است که مثلاً چرا زنبور عسل یا سایر حیوانات، که در همان مناطق مشابه انسان‌ها زندگی می‌کنند، فاقد تحرک تاریخی هستند؟ عامل اصلی که سبب اختلاف و تفاوت در نحوه زیست این دو نوع جاندار شده است چیست؟ نتیجه این که منتسکیو نیز نتوانسته است عامل محرک را به درستی توضیح دهد.^(۱۵)

۳- نظریه الهی: بر طبق این نظریه، آنچه در زمین پدید می‌آید، امری آسمانی است که بنابر حکمتی بر زمین فرودآمده است. تحولات و تطورات تاریخ را می‌توان جلوه‌گاه مشیت حکیمانه و حکمت بالغه الهی دانست. پس آنچه تاریخ را پیش می‌برد و دگرگون می‌سازد، اراده خداوند است. به عبارت دیگر، تاریخ و تغییر و تحولات اجتماعی و طبیعی، جلوه‌گاه اراده مقدس الهی است. بوسوئه، مورخ و اسقف مسیحی، از طرفداران این نظریه به شمار می‌رود.^(۱۶)

به نظر استاد مطهری این نظریه از نظریات دیگری ربط‌تراست، زیرا مگر تنها تاریخ جلوه‌گاه

مشیت الهی است؟ تمام هستی جلوه‌گاه مشیت حق تعالی است و نسبت مشیت الهی به همه

اسباب و علل جهان و تمامی موجودات علی‌السویه است. بنابراین دلیلی ندارد که زندگی انسان متحول باشد و زندگی زنبور عسل ثابت و یکنواخت. پس باید پرسیم خداوند متعال زندگی انسان را با چه نظامی آفریده و چه رازی در آن نهاده است که متحول و متطور می‌شود و این تحول و تطور در زندگی سایر جانداران نیست.^(۱۷)

۴- نوابغ و قهرمانان: بر اساس این دیدگاه، تغییر و تحولات معلول عملکرد و خلاقیت نوابغ است.

نوابغ و قهرمانان افراد استثنایی هر جامعه‌اند که قدرت خارق‌العاده‌ای از نظر عقل، اراده، ذوق و ابتکار دارند و هرگاه در جامعه‌ای سر برآورند آن جامعه را از نظر علمی، فنی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و نظامی به جلو می‌برند و به رفاه و سعادت نزدیک می‌کنند. بر این اساس، اکثریت افراد بشر، فاقد ابتکار، دنباله‌رو و مصرف‌کننده‌اند. کارلایل انگلیسی از پیشگامان این نظریه است.^(۱۸)

از دید استاد مطهری، این نظریه هم نمی‌تواند چرایی تغییرات و تحولات و حرکت تاریخ را نشان دهد، زیرا علاوه بر قهرمانان و نوابغ، در تمام افراد بشر، کم و بیش، استعداد خلاقیت و ابتکار وجود دارد. بنابراین همه افراد و دست‌کم اکثریت افراد می‌توانند در حرکت تاریخ سهیم باشند، البته سهم نوابغ و قهرمانان بیشتر است.^(۱۹)

۵- اقتصاد و شیوه تولید: بر طبق این نظریه، تمام شئون اجتماعی هر قوم و ملتی، اعم از

حوزه‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و نظامی جلوه‌گاه شیوه تولید و روابط تولیدی آن جامعه است. تغییر و تحول در بنیاد اقتصادی جامعه است که جامعه را از بیخ و بن زیر و رو می‌کند و پیش می‌برد. نوابغ - که در نظریه قبلی از آنها یاد شد - جز مظاهر نیازهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه، چیز دیگری نیستند و آن نیازها هم معلول دگرگونی ابزار تولید است.

کارل مارکس وانگلس از مشهورترین طرفداران این نظریه هستند.^(۲۰)

استاد مطهری جلد دوم فلسفه تاریخ را تماماً به نقد این نظریه اختصاص داده است. از دید مطهری بنیادها و لوازم این نظریه همگی مردود هستند. از جمله مبانی و لوازم این نظریه که استاد مطهری نقد و رد کرده است، عبارت اند از:

تقدم ماده بر روح، تقدم نیازهای مادی بر نیازهای معنوی، تقدم کار بر اندیشه، تقدم جامعه‌شناسی انسان بر روان‌شناسی او، و تقدم جنبه مادی جامعه بر جنبه معنوی آن. مطهری برعکس، معتقد به تقدم روح بر ماده، تقدم نیازهای معنوی بر نیازهای مادی، تقدم اندیشه بر کار، تقدم روان‌شناسی انسان بر جامعه‌شناسی او و تقدم جنبه معنوی جامعه بر جنبه مادی آن است.^(۲۱)

۶- اختراعات و تکنولوژی: برخی از متفکران، تکنیک را عامل اصلی تحولات و تغییرات معرفی کرده‌اند.^(۲۲) مفلور و ژان از اندیشمندان طرفدار این نظریه هستند.

به نظر استاد مطهری شاید نتوان این مورد را یک عامل مستقل به حساب آورد، مگر این که

کسی بگوید در میان دانش‌های بشری، دانش‌هایی سبب تحول و تحرک تاریخ شده‌اند که طبیعی بوده‌اند. علوم طبیعی و همچنین ریاضیات، تا حدی که در طبیعت می‌توان آن را عملی کرد، روی دانش‌های دیگر در این جهت تأثیری نداشته‌اند. که البته این هم سخن درستی نیست، زیرا نیمی از تمدن و فرهنگ بشر مادی است و نیمی انسانی و معنوی.^(۲۳)

استاد مطهری هیچ یک از نظریات فوق را به تنهایی نمی‌پذیرد. درباره نظر ایشان در بخش بعدی پژوهش بحث خواهیم کرد.^(۲۴)

انقلاب و تحولات اجتماعی از دیدگاه استاد مطهری

تعریف مطهری از «انقلاب اجتماعی» همان تعریفی است که پیش از این برای «تغییر اجتماعی» ارائه شد. در تعریف مطهری از انقلاب اجتماعی، ویژگی‌های ذیل لحاظ شده است:

- ۱- انقلاب عبارت است از تغییر بنیادی در جامعه،
 - ۲- بنابراین انقلاب نوعی طغیان در برابر وضع موجود است.
 - ۳- انقلاب تلاش و جهاد برای برقراری وضع مطلوب است.
 - ۴- انقلاب از یک ایدئولوژی و مکتب ارزشی برخوردار است.
 - ۵- ایدئولوژی متناسب با انقلاب، مکتبی است که عنصر انکار و نفی و طرد وضع نامطلوب در متن تعلیماتش وجود داشته باشد.^(۲۵)
- به نظر مطهری وقتی تمام ویژگی‌های انقلاب

با هم جمع شود، انقلاب اتفاق می‌افتد. از نکته‌های دیگری که استاد مطهری در مفهوم انقلاب مدنظر قرار داده و لازم است در آن دقت شود، بحث ارادی بودن انقلاب‌ها و تکاملی بودن آنهاست. توضیح این که درباره انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی، دو دیدگاه کلان وجود دارد: نخست، دیدگاهی که معتقد است انقلاب‌ها به دلایل ساختاری اتفاق می‌افتند و به تعبیر خانم اسکاچپول انقلاب‌ها می‌آیند، نه این که ساخته شوند.^(۲۶) این دیدگاه از اکثریت برخوردار است. دوم، دیدگاه بعضی از دانشمندان علوم اجتماعی و از جمله استاد مطهری است که انقلاب‌ها را ارادی می‌دانند. نکته دیگر این که مطهری تنها به تغییراتی که جنبه تکاملی داشته باشد - و این از دیدگاه دینی وی برخاسته است - انقلاب می‌گوید. بنابراین به نظر ایشان تغییراتی از قبیل انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، انقلاب نیست، بلکه «ارتجاع» و عقب‌گرد است.^(۲۷)

تاکنون مفهوم و انواع تحولات و تغییرات فردی و اجتماعی (تکاملی و ارتجاعی) از نظر استاد مطهری روشن شد، حال عوامل تغییر و انقلاب یا ارتجاع از نگاه او را مورد کاوش و بازبینی قرار می‌دهیم. مطهری قایل به «نظریه فطرت» است. بر اساس نظریه فطرت، انسان دارای ویژگی‌هایی است که به موجب آنها زندگی‌اش در حال تکامل و پیشرفت و تغییر و تحول دائمی است؛ مهم‌ترین این خصایص به قرار زیر است:

- ۱- کسب، جمع و حفظ تجارب و آموخته‌های دیگران و استفاده از آنها
 - ۲- یادگیری از راه بیان و قلم
 - ۳- مجهز بودن به نیروی عقل و ابتکار
 - ۴- میل ذاتی و علاقه فطری به نوآوری
- این استعدادها و قابلیت‌ها نیروهایی هستند که انسان را به جلو می‌رانند. در حیوانات نه استعداد نگهداری تجربه‌ها و نه استعداد نقل و انتقال مکسبات و نه استعداد خلق و ابتکار - که خاصیت قوه عاقله است - و نه میل شدید به نوآوری، هیچ کدام وجود ندارد. از این روست که حیوان در جا می‌زند و زندگی یکنواختی دارد. در حالی که انسان به پیش می‌رود و از نظر سطوح انقلاب نیز مطهری دقت‌های ویژه‌ای دارد. به نظر او «انقلاب یا فردی است یا اجتماعی، یعنی یا فرد انقلاب می‌کند، یا جامعه». انقلاب فردی نیز یا حیوانی است یا انسانی؛ چنان که دگرگونی اجتماعی نیز یا تکاملی است که «انقلاب» نامیده می‌شود، یا در جهت سقوط است که به آن «ارتجاع» می‌گویند. به نظر مطهری «توبه» نوعی انقلاب انسانی و فردی است. توبه، انقلاب وجدان اخلاقی و انسانی انسان در برابر حیوانیت و درنده‌خویی اوست. انقلاب‌های فردی اقسام متعددی دارد:

ندارد و غرایز متمایل به بالا که می‌خواهد از حدود فردیت خارج شود» تضاد وجود دارد. او در توضیح این مطلب، اشعار زیر را نقل می‌کند:

میل جان در حکمت است و در علوم

میل تن در باغ و راغ و در کروم

میل جان اندر ترقی و شرف

میل تن در کسب اسباب و علف

میل تن در سبزه و آب روان

زان بود که اصل او آمد از آن

میل جان اندر حیات و در حی است

زانکه جان لامکان اصل وی است

میل و عشق آن طرف هم سوی جان

زین «یحب و یحبون» را بخوان (۳۲)

نبرد درونی انسان، خواه ناخواه، به نبرد میان

گروه‌های انسانی کشیده می‌شود، «یعنی نبرد

میان انسان کمال یافته و آزادی معنوی به دست

آورده از یک طرف و انسان منحط در جازده و

حیوان صفت از طرف دیگر.» به تعبیر دیگر «نبرد

میان انسان مترقی متعالی که در او ارزش‌های

انسانی رشد یافته با انسان پست منحرف حیوان

صفت که ارزش‌های انسانی‌اش مرده و چراغ

فطرتش خاموش گشته است. به تعبیر قرآن،

نبرد میان جندالله و حزب الله با جندالشیطان و

حزب الشیطان» (۳۳)

مطهری با توجه به این نبرد، آینده جهان را

دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:

۱- پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت

و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استعباد و

ظلم و اختناق و فریب

زندگی‌اش به طور دائمی در حرکت و تغییر است. (۲۹) فطرت کمال جوی انسان پیوسته انسان را وادار می‌کند تا به آنچه رسیده است اکتفا نکند و قانع نشود و به دنبال کشف و دست‌یابی به افق‌های جدید و نو باشد. (۳۰)

البته، همان‌گونه که پیش از این گفته شد،

استاد مطهری در بخش تحولات اجتماعی

اعتقاد به تکامل عمومی دارد، یعنی به نظر

ایشان، هستی و تاریخ به طور کلی به سوی حق

و پیشرفت حق و غلبه روزافزون حق بر باطل

در حال حرکت است. او می‌نویسد:

اندیشه‌پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و

عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم،

گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار

کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی،

تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل و

بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی

به وسیله [...] مهدی [...] اندیشه‌ای است

که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی

-با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی- بدان مؤمن

و معتقدند. (۳۱)

به نظر مطهری تضادهای اجتماعی ریشه در

تضادهای موجود در درون انسان‌ها دارد. او

ضمن نفی نظریه مارکس که تضادهای اجتماعی

را ناشی از تضادهای طبقاتی و اقتصادی

می‌داند، معتقد است که نبرد حق و باطل ریشه

در درون انسان‌ها دارد. به نظر مطهری «میان

جنبه‌های زمینی و خاکی و جنبه‌های آسمانی و

ماورائی انسان، یعنی میان غرایز متمایل به پایین

که هدفی جز یک امر فردی و محدود و موقت

- ۲- حکومت جهانی واحد
- ۳- عمران و آبادانی تمام کره زمین
- ۴- رسیدن بشر به خردمندی کامل و پیروی از فکر و دین، و آزادی از زندان‌های طبیعت و اجتماع و غرایز حیوانی
- ۵- حداکثر بهره‌برداری از مواهب طبیعی
- ۶- برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در ثروت
- ۷- منتفی شدن وازبین رفتن کامل مفساد اخلاقی از قبیل ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدمکشی و خالی شدن روان انسان‌ها از عقده‌ها و کینه‌ها
- ۸- از بین رفتن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون
- ۹- سازگاری انسان و طبیعت^(۳۴)
- بنابراین، مطهری متفکری است که به آینده بشر خوش بین است و آینده را از امروز بهتر می‌بیند، چنان‌که امروز را نیز بهتر از دیروز می‌داند. مطهری ضمن این که جهان را در حال حرکت رو به جلو می‌بیند، این نکته را قبول دارد که ممکن است در بخش‌هایی از این کره خاکی انسان‌هایی سقوط کنند و در نتیجه برخی جوامع به انحطاط و ارتجاع گرفتار شوند. با این حال، معتقد است که نمی‌شود تمام انسان‌ها در یک زمان نسبت به قبل از آن، عقب‌تر رفته باشند.
- در یک جمع‌بندی می‌توان گفت به نظر مطهری انسان با دو بال به جلو حرکت می‌کند: یکی بال آگاهی و دیگری بال اراده، احساس شرف و کرامت و به عبارت دیگر، بال اخلاق و ایمان. اگر انسان این دو بال را داشته باشد، حرکتش تکاملی است و اگر نداشته باشد حرکتش ارتجاعی خواهد بود.^(۳۵)
- در مجموع می‌توان چهار عامل عدالت یا بی‌عدالتی، اتحاد یا تفرقه، فسق و فجور و فساد اخلاقی یا ایمان و تقوا و پاکدامنی، و اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر را از عوامل اصلی مؤثر در اعتلا یا انحطاط، تکامل یا ارتجاع و صعود یا سقوط تمدن‌ها و دولت‌ها و جوامع تلقی کرد.^(۳۶)
- تحولات سیاسی-اجتماعی ایران از دیدگاه استاد مطهری**
- در آثار استاد مطهری تحلیل‌های مختلفی درباره تحولات و تغییرات، جنبش‌ها و قیام‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی در دوران گذشته و معاصر ایران وجود دارد که در این جا فرصت پرداختن به همه آنها نیست.^(۳۷) از این رو، تنها برای نمونه، تحلیل او از انقلاب اسلامی و آسیب‌شناسی آن را به اجمال بررسی می‌کنیم.
- سقوط محمدرضا پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی را با توجه به جنبه تکاملی بودن آن و تغییر بنیادها در آن و نیز وجود مشخصه‌های ارادی بودن، نفی وضع موجود و استقرار وضع مطلوب، ایدئولوژی اسلامی و رهبری دینی، می‌توان انقلاب اجتماعی نامید.
- از نظر مطهری مهم‌ترین عواملی که سبب وقوع انقلاب اسلامی در ایران شد، از این قرار است:

- ۱- استبداد خشن و وحشی و سلب آزادی‌های قانونی
 - ۲- نفوذ و سلطه استعمار جدید، یعنی آمریکای جهانخوار
 - ۳- معارضه بادین و تلاش برای دورنگهداشتن سیاست از دین
 - ۴- کوشش برای بازگرداندن ایران به ارزش‌های پیش از اسلام و تلاش برای احیای شعارهای مجوسی و محوشعارهای اسلامی، از قبیل باستان‌گرایی و تغییر تاریخ هجری به شاهنشاهی
 - ۵- قلب و تحریف میراث گرانقدر اسلامی و صادر کردن شناسنامه جعلی برای این فرهنگ به نام فرهنگ ایرانی
 - ۶- تبلیغ و اشاعه مارکسیسم دولتی
 - ۷- کشتارهای بی‌رحمانه، زندان‌ها و شکنجه‌ها و تبعیض‌های غیرقانونی و وحشیانه
 - ۸- تبعیض و ازدیاد روزافزون شکاف طبقاتی علی‌رغم ادعای اصلاحات
 - ۹- تسلط عناصر غیرمسلمان بر مسلمان در دستگاه‌های دولتی
 - ۱۰- نقض آشکار قوانین و مقررات دین مبین اسلام
 - ۱۱- مبارزه با ادبیات فارسی، که حافظ و نگهبان روح اسلامی ایران است، به بهانه حذف واژه‌های بیگانه عربی
 - ۱۲- قطع ارتباط با کشورهای اسلامی و برقرار کردن ارتباطات وثیق با دولت‌های غیرمسلمان از قبیل اسرائیل و آمریکا^(۳۸)
- عوامل فوق را می‌توان در سه گروه کلی تقسیم کرد: عواملی که جنبه مادی دارند؛ عللی که ناظر بر جریحه‌دار شدن غرور انسانی هستند، و عواملی که مربوط به جریحه‌دار شدن عواطف اسلامی‌اند، که علل اخیر بیشترین سهم را در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند.
- به نظر استاد مطهری، گذشته از عوامل فوق، دو عامل دیگر در این پدیده مؤثر بود: «یکی سرخوردگی از لیبرالیسم غربی و دیگری ناامیدی از سوسیالیسم شرقی. این جاست که نقش آگاهی و بازگشت به خویش ملت مسلمان ما و احساس کرامت ذاتی و دریافت خود و فلسفه خود از سوی این مردم مشخص می‌شود.»^(۳۹)
- با توجه به این که هیچ تضمینی وجود ندارد که یک فرد یا جامعه، حرکت تکاملی خود را بی‌وقفه ادامه دهد، از این رو مطهری هشدار می‌دهد، به طوری که پس از گذشت بیش از بیست سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی هنوز هم آسیب‌شناسی مطهری از جامعیت و دقت و عمق لازم برای توجه دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی برخوردار است. در این باره مطهری به دو دسته از عوامل توجه کرده است:
- ۱- عواملی که شرط تداوم انقلاب محسوب می‌شوند.
 - ۲- عواملی که آفت انقلاب هستند.
- گروه نخست، عواملی هستند که بی‌توجهی به آنها موجب به خطر افتادن انقلاب می‌شود. مهم‌ترین این عوامل از این قرار است:
- الف) عدالت اجتماعی
 - ب) استقلال فرهنگی
 - ج) معنویت

پایان سخن

مطالعه و بررسی پدیده تغییر و تحول و جهات تکاملی و ارتجاعی آن و نیز سرعت آن از نظر شدت و ضعف و میزان تداوم آن و همین طور علل و عوامل آن برای هر ملت و جامعه زنده‌ای ضروری است؛ هم باید مبدأ حرکت را بشناسیم و هم مقصد و پایان راه را؛ هم متحرک را باید شناخت و هم محرک یا محرک‌ها را؛ هم مسیر را باید شناسایی کنیم و هم زمانی را که برای طی مسافت میان مبدأ و مقصد باید سپری کرد. استاد مطهری متفکری بود که انسان را شناخت؛ انسانی که متحرک این مسیر است و محرک‌ها را نیز که در درون خود او قرار دارند، به درستی شناسایی کرد و با توجه به تنوع و قدرت محرک‌ها، جهت‌گیری آنها را نیز تشخیص داد و در نتیجه توانست دومسیر تعالی و انحطاط و تکامل و ارتجاع را شناسایی کند و به دیگران نیز بشناساند.

پانوشت‌ها

- ۱- در این باره ر.ک. چالمرز جانسون، *تحول انقلابی*، ترجمه مجید الیاسی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳). در مقدمه این کتاب بحث مبسوطی درباره امکان یا امتناع مطالعه «انقلاب» در علوم اجتماعی آمده است.
- ۲- گی روشه، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، (تهران: نشر نی، ۱۳۶۶)، صص ۷-۶.
- ۳- در مورد متفکران غربی ر.ک. روشه، *پیشین؛ ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶)؛ لیوئیس کوزر، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی،

(د) آزادی تفکر و عقیده

(ه) امر به معروف و نهی از منکر

(و) اتحاد

(ز) استقلال روحانیت

(ح) حضور فعال روحانیت در جامعه، در عین حفظ قداست

(ط) توجه به نیازهای مردم و تأمین آنها

(ی) آفت شناسی و آفت زدایی

(ک) حفظ رهبری و اطاعت از رهبری و ایمان و خلوص و صراحت در رهبری^(۴۰)

از عوامل دسته دوم، یعنی آفات انقلاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) ترک صحنه از سوی نیروهای انقلابی، که ممکن است به صورت اختیاری یا قهری انجام پذیرد. ترک اختیاری به این صورت که انقلاب و جنبش را تمام شده بدانند یا این که احساس خستگی کنند. مطهری برای نمونه به نهضت‌های پیشین، از جمله نهضت مشروطه استناد می‌کند. ترک قهری و اجباری ممکن است از طریق ترور فیزیکی افراد ذی نفوذ، ترور شخصیت افراد ذی نفوذ و توجه به نیروهای متخصص غیرمتعهد اتفاق بیفتد.

ب) رخنه فرصت طلب‌ها، اعم از افراد سودجو یا دشمنان داخلی و خارجی

ج) نفوذ اندیشه‌های بیگانه، از سوی دشمنان یا دوستان نادان

(د) تجددگرایی افراطی

(ه) ابهام در طرح‌های آینده و بی‌پاسخ گذاشتن پرسش‌ها و شبهات^(۴۱)



- (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸).
- درباره ابن خلدون ر.ک. عبدالرحمان بن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹).
- درباره سیدمحمدباقر صدر ر.ک سیدمحمدباقر صدر، **سنت‌های تاریخ در قرآن**، ترجمه سیدجمال موسوی اصفهانی، (قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا).
- ۴- روشه، پیشین، صص ۲۱-۲۰.
- ۵- برای مطالعه دیدگاه پارسونز و نیز جانسون که نگاه‌های مشابهی دارند ر.ک. روشه، پیشین: مصطفی ملکوتیان، **سیری در نظریه‌های انقلاب**، (تهران: قومس، ۱۳۷۶)؛ جانسون، پیشین.
- ۶- روشه، پیشین، صص ۲۵-۲۴.
- ۷- عباس منوچهری، «انقلاب و مطالعات میان رشته‌ای»، مجله **سخن سمت**، شماره پنجم، ص ۳۷.
- ۸- مناظره مارکوزه، که از انقلاب طرفداری می‌کند و پوپر، که طرفدار اصلاح است، در کتاب **انقلاب یا اصلاح** آمده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: فرانتس اشتارک، **انقلاب یا اصلاح (گفتگو با هربرت مارکوزه و کارل پوپر)**، ترجمه هوشنگ وزیری، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱).
- ۹- قرآن مجید، سوره بقره، آیه ۲۸۶.
- ۱۰- در این باره ر.ک. ملکوتیان، پیشین؛ حسین بشیریه، **انقلاب و بسیج سیاسی**، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲)؛ برینگتون مور، **ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دمکراسی**، ترجمه حسین بشیریه، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹)؛ آلوین استانفورد کوهن، **تئوری‌های انقلاب**، ترجمه علیرضا طیب، (تهران: نشر قومس، ۱۳۶۹)؛ ساموئل هانتینگتون، **سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی**، ترجمه محسن ثلاثی، (تهران: نشر علمی، ۱۳۷۰)؛ حمیرا مشیرزاده، «نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی»، **مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، ج ۱. قم، معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری
- در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴؛ منوچهری، پیشین.
- ۱۱- مرتضی مطهری، **جامعه و تاریخ**، (تهران: صدرا، ۱۳۷۳، صص ۲۴۲-۲۴۱).
- ۱۲- همان، ص ۲۴۵.
- ۱۳- مرتضی مطهری، **فلسفه تاریخ**، (تهران: صدرا، ۱۳۶۶)، ج ۱، ص ۳۳.
- ۱۴- مطهری، **جامعه و تاریخ**، ص ۲۴۲.
- ۱۵- همان، ص ۲۴۵.
- ۱۶- همان، ص ۲۴۴.
- ۱۷- همان، صص ۲۴۶-۲۴۵.
- ۱۸- همان، صص ۲۴۳-۲۴۲.
- ۱۹- همان، ص ۲۵۱.
- ۲۰- همان، صص ۲۴۴-۲۴۳.
- ۲۱- در این باره ر.ک. مطهری، **جامعه و تاریخ**، صص ۱۱۶-۹۳ و فلسفه تاریخ، ج ۲.
- ۲۲- ر.ک. روشه، پیشین، صص ۶۷-۵۴.
- به نظر ممفورد و هانری ژان، بشر از آغاز زندگی تاکنون پنج مرحله یا مجموعه تکنیکی داشته است. این پنج مرحله عبارت‌اند از: عصر سنگ‌ابزاری، عصر انسان‌ابزاری، عصر پیش تکنیکی، عصر پارینه تکنیکی و عصر نو تکنیکی.
- ۲۳- مطهری، **فلسفه تاریخ**، ج ۱، صص ۳۲-۳۱.
- ۲۴- برای مطالعه سایر نظریات درباره عوامل و علل پیش برنده تاریخ و پدیدآورنده تحولات و تغییرات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی ر.ک. الکساندر پیتریم سوروکین، **نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ**، ترجمه اسدالله (امیر) نوری، (رشت: انتشارات حق شناس، ۱۳۷۷)؛ (در این کتاب نظریات دانیلفسکی، اشپنگلر، توین بی، شوبارت، بردیایف، نور تروپ، کروبر و شوایتزر مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در پایان سوروکین نظریه خودش را به تفصیل بیان داشته است)؛ ای.اچ. کار. **تاریخ چیست**، ترجمه حسن کامشاد، (تهران: شرکت سهامی انتشار، بی تا)؛ (این همان کتابی است که استاد مطهری در جلد اول **فلسفه تاریخ** به نقد و بررسی آن پرداخته)؛ احمد حامد مقدم،

۳۵- «در این جامن می‌خواهم به یک اصل کلی که هم برای مردها و هم برای زن‌ها مفید است اشاره کنم و آن این که انسان با دو بال حرکت می‌کند: یکی بال آگاهی است؛ انسان بی‌خبر جاهل اصلاً از محیط خودش آگاه نیست، [...] مستبدها و استعمارگرها سال‌های زیاد از ناآگاهی و بی‌خبری مردم استفاده می‌کردند. [...] بال دیگر چیست؟ بال اراده، بال احساس شرف و کرامت ذات و این که من انسان هستم، بال اخلاق. تا وقتی که مردم جاهل بودند. برنامه فاسد کردن انسان‌ها از نظر اخلاق چندان برای استعمار مطرح نبود، نیازی به آن نبود، ولی از روزی که دیدند آگاهی تدریجاً دارد پیدا می‌شود، [...] گفتند حالا وقت این است که آن بال دیگر را از مردم بگیریم و آن بال اخلاقی، بال پاک‌ی و بال طهارت است. این جا بود که به مسئله اشاعه انواع فساد اخلاق [...] پرداختند، ... به نام تمدن و پیشرفت و آزادی [...] انسان اگر عالم و آگاه هم بشود، وقتی که خلقتش، روحیه‌اش فاسد شد، [...] همان آگاهی بیشتر به زیان جامعه‌اش تمام می‌گردد». مرتضی مطهری، **پیرامون جمهوری اسلامی**، صص ۵۷-۵۲.

۳۶- مطهری، **جامعه و تاریخ**، صص ۲۳۷-۲۳۵.

۳۷- برای آگاهی بیشتر ر.ک. مرتضی مطهری، **نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر**، (قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵) **اسلام و مقتضیات زمان**، (تهران: صدرا، جلد اول ۱۳۶۸، جلد دوم ۱۳۷۰)؛ **پیرامون انقلاب اسلامی: پیرامون جمهوری اسلامی**.

۳۸- مطهری، **نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر**، صص ۷۴-۷۲.

۳۹- مطهری، **پیرامون انقلاب اسلامی**، صص ۱۸.

۴۰- جاوید روستایی چم کاکایی، «آفات انقلاب اسلامی از دیدگاه استاد مطهری»، **مجموعه مقالات اندیشه مطهر (نگرشی بر آرا و افکار استاد شهید مرتضی مطهری)**، (تهران: بی‌نا، ۱۳۷۴، ص ۵).

۴۱- مطهری، **نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر**، صص ۹۸-۱۱۴.

سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، (مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹)؛ مرتضی مطهری، **نقدی بر مارکسیسم**، (قم، صدرا، ۱۳۶۶)؛ محمدتقی مصباح یزدی، **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**، (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸).

۲۵- مرتضی مطهری، **پیرامون جمهوری اسلامی**، (تهران: صدرا، ۱۳۶۴)، ص ۱۴۱.

۲۶- درباره دیدگاه ساختارگرایان و به ویژه خانم اسکاچپول ر.ک. ملکوتیان، **پیشین: تدا اسکاچپول، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی**، ترجمه سیدمیچید روئین‌تن، (تهران: سروش، ۱۳۷۶). همچنین تدا اسکاچپول، «حکومت تحصیلدار»، **مجموعه مقالات رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی**، به کوشش عبدالوهاب فراتی، (قم: بی‌نا، ۱۳۷۸). در این مقاله گویا خانم اسکاچپول از نظریه رایج شده در کتاب خود، درباره انقلاب اسلامی صرف‌نظر کرده است زیرا اعتراف می‌کند که انقلاب اسلامی ساخته شد. البته به نظر می‌رسد همچنان جنبه‌های ساختاری نظریه خویش را حفظ کرده است.

۲۷- مرتضی مطهری، **پیرامون جمهوری اسلامی**، ص ۱۴۲.

۲۸- همان، صص ۱۴۸-۱۴۲.

۲۹- مطهری، **جامعه و تاریخ**، صص ۲۴۹-۲۴۸ و نیز ر.ک. شریف لک‌زایی، «**نظریه‌های دگرگونی اجتماعی از دید استاد مطهری**»، منتشر نشده.

۳۰- مطهری، **فلسفه تاریخ**، ج ۱، ص ۳۰.

۳۱- مرتضی مطهری، **قیام و انقلاب مهدی**، (تهران: صدرا، ۱۳۹۸ ق، ص ۵).

۳۲- همان، صص ۳۹-۳۸.

۳۳- همان، صص ۴۱-۴۰.

۳۴- همان، صص ۶۱-۵۸ و نیز ر.ک. مرتضی مطهری، **تکامل اجتماعی انسان**، (قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا)؛ **انسان کامل**، (تهران: صدرا، ۱۳۷۰). **حق و باطل (به ضمیمه احیای تفکر اسلامی)**، (تهران: صدرا، ۱۳۶۶)؛ **انسان در قرآن**، (تهران: صدرا، ۱۳۷۲).